

ارزشیابی در تدریس آمیخته

دکتر محمد حسنی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

مقدمه

یکی از آثار ارزشمند همه‌گیری کرونا در جوامع بشری، صرف‌نظر از آثار ناگوار آن، بازنگری در رویه‌های معمول زندگی در ابعاد گوناگون آن است. در زمینه تربیت مدرسه‌ای و به‌ویژه پداگوژی (دانش و مهارت یاددهی) نیز به سبب ارجمندی و شأن حیاتی‌اش در جوامع، چنین بازنگری‌ای ضرورتی انکارناشدنی یافته است. تجربه دوران کرونا ظرفیت‌های بی‌بدیل آموزش‌های برخط و مجازی را آشکار کرد. از این‌رو، با وجود اینکه بعد از فروکش کردن دوران همه‌گیری کرونا و به‌اصطلاح دوران پساکرونا، مدرسه‌ها به شکل حضوری بازگشایی شدند، عموم متخصصان به این باور رسیده‌اند که مدرسه نمی‌تواند از ظرفیت‌های ارزشمند فضای مجازی چشم‌پوشد. در سال‌های اخیر، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در الگوها و رویکردهای متعددی نمود و بروز داشته است. امروزه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در اساس یک ابزار پداگوژیک تلقی می‌شود و بخشی آمیخته و تنیده با جریان یاددهی یادگیری تلقی می‌شود.

عکاس: اعظم لاریجانی

با این تصور و تلقی، به‌طور کلی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی سه هدف و کارکرد مهم دارد که عبارت‌اند از:

- بهبود فرایند یادگیری؛
- ایجاد اطمینان از تحقق نتایج یادگیری؛
- ایجاد توانایی خودراهبری^۱ و همراهبری^۲ در دانش‌آموزان.

این سه هدف نیز در هر شرایط بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در محیط‌های یادگیری، در هر شکل و الگویی، (حضور، مجازی و آمیخته) حاکم است، اما تحقق این اهداف به‌سادگی ممکن نیست. برای دنبال کردن هر یک از این اهداف ارزشیابی در فضای تدریس آمیخته، مشکلات و موانعی وجود دارند که با شناخت آن‌ها بهتر می‌توانیم راه‌های فائق‌آمدن بر آن‌ها را پیدا کنیم.

در خصوص اولین هدف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، یعنی بهبود فرایند یادگیری، باید گفت، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، با سازوکارهایی خاص، از طریق توسعه بازخوردها در فرایند یاددهی یادگیری، آن را بهبود می‌بخشد و تقویت می‌کند. مراد از فرایند یاددهی یادگیری، مجموعه‌ای از تلاش‌ها و کوشش‌ها و اقدامات پیش‌بینی‌شده و نشده است که معلم و دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف آموزشی درسی انجام می‌دهند. معلم با رصد چگونگی اهتمام یادگیرندگان و تصمیم‌ها و اقدامات خود و به کمک آن‌ها در فرایند و مداخله مؤثر و تبادل اشارات هدایت‌کننده و بهبودبخش (بازخوردهای متفاوت)، به اثربخشی و کارآمدی فرایند یادگیری کمک می‌کند. با این کار چتری حمایتی بر سر جریان یاددهی یادگیری می‌کشد تا در سایه آن، موقعیت آموزشی غنی‌تر و ثمربخش‌تر شود. این تفسیر از کارکرد و هدف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که این نوع کارکرد و هدف ارزشیابی را به‌مثابه ابزاری پداگوژیک جلوه‌گر می‌کند که زیاد هم بیراه نیست.

تجربه‌ها نشان داده‌اند، در راستای این تحقق این هدف و کارکرد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در فضای مجازی تدریس، به دلیل نبود



نظارت و تعامل رودررو و حتی در فضای واقعی یادگیری، امکان تحقق مناسب و اثربخش فرایندهای یاددهی یادگیری با موانعی جدی روبه‌روست و مشکل پیدا می‌کند. **بی تفاوتی و رخوت** در دانش‌آموزان نسبت به یادگیری افزایش می‌یابد. همچنین، به دلیل وجود فاصله مکانی در کلاس‌های مجازی، احساس پیوند با اجتماع یادگیری و برانگیزانندگی متقابل در کلاس به خوبی رخ نمی‌دهد. از این رو احتمال فعالیت‌های یادگیری موردنظر، حتی در حد دیدن و شنیدن تدریس معلم، به شدت کاهش می‌یابد. این مشکلات به شکل‌گیری پدیده **یادگیری سطحی** منجر می‌شود؛ پدیده‌ای که در آن حضور شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان در موقعیت یادگیری ضعیف و کم‌رنگ می‌شود.

بنابراین تحلیل و در جهت تحقق بهینه فرایندهای یاددهی یادگیری، **درگیر کردن** دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری مرتبط با مباحث درسی به چالشی نفس‌گیر تبدیل می‌شود. معلمان به خوبی می‌دانند، این **درگیرسازی** بسیار حساس و نقش‌آفرین است. هر چه دانش‌آموزان بهتر و عمیق‌تر درگیر فعالیت‌های یادگیری شوند و به خوبی این فعالیت‌ها را انجام دهند، یادگیری اثربخشی محقق می‌شود و طبیعی است اهداف یادگیری امکان تحقق بیشتری پیدا می‌کنند. از این رو، در هر شرایط و وضعیت یاددهی یادگیری (حضور، مجازی و ترکیبی)، درگیرسازی چالش مهمی است که معلم را به مبارزه دعوت می‌کند. برای معلم هوشمند این پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به طور عمیق درگیر فعالیت‌های موردنظر خود کرد؟ یعنی چگونه و با چه سازوکارهایی می‌توان در دانش‌آموزان دغدغه ذهنی، علاقه، توجه و عمل به فعالیت‌های یادگیری را شکل داد.

راهکارهای مواجهه با چالش درگیرسازی در یادگیری

مسلم است، معلم برای تصمیم‌گیری‌های فرایندی (برای درگیرسازی به‌منظور بهبود یادگیری) و تصمیم‌گیری‌های پایانی و فرایندی برای ارتقای پایه و مداخلات (اطمینان از تحقق اهداف یادگیری) نیازمند شواهد معتبری است که آن‌ها را در طول جریان یادگیری به دست می‌آورد؛ شواهد لازم برای بهبود یادگیری که هم‌زمان و در جریان یادگیری به دست می‌آید و هم‌زمان به تصمیم‌های مداخله‌ای فرایندی و تبادل بازخورد منجر می‌شود و انتظار می‌رود که روند درگیرسازی دانش‌آموزان در یادگیری بهبود یابد. معلم باید زمینه‌ای فراهم کند تا دانش‌آموزان به فعالیت وادار شوند و شواهد مناسبی را از ناحیه فعالیت‌های یادگیری به دست آورند. فعالیت‌های یادگیری در هر موقعیت یادگیری (مجازی، واقعی و ترکیبی) پایه و اساس محسوب می‌شوند. معلم از این طریق مقاصد آموزشی و تربیتی خود را دنبال می‌کند. معلم باید زمینه‌ای فراهم کند تا دانش‌آموزان به فعالیت وادار و در آن درگیر شوند؛ یعنی دغدغه ذهنی برای انجام فعالیت‌هایی پیدا کنند که معلم برای آن‌ها پیش‌بینی کرده است. این شرایط مستلزم حضور شناختی کافی و وافی آن‌ها در موقعیت یادگیری است. برای توسعه

حضور شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان در موقعیت یادگیری چند راهکار پیشنهاد می‌شود:

بهبود مدیریت کلاس درس

به چند طریق می‌توان مدیریت کلاس درس را بهبود بخشید، از جمله:

● به کارگیری اهرم نظارتی و هدایتی والدین با توجه و آماده‌سازی والدین به‌عنوان ذی‌نفعان و یاران معلم (توسعه سواد تربیتی والدین).

در این موقعیت‌های تدریس برخط ناهم‌زمان، راهکار دیگری که باید به‌صورت جدی به آن اندیشید و از آن بهره برد، فعال کردن اهرم نظارتی و هدایتی معلم در خانه است. این اهرم‌های نظارتی و هدایتی، والدین و دیگر اعضای خانواده هستند. والدین (به‌ویژه در دوره ابتدایی) بازوی اجرایی نقشه جریان یاددهی یادگیری تلقی می‌شوند. والدین و سایر اعضای خانواده بیش از هر کسی نسبت به یادگیری فرزندانشان احساس مسئولیت می‌کنند. همچنین، آن‌ها می‌توانند سطح درگیرسازی دانش‌آموزان را در فعالیت‌های یادگیری افزایش دهند و اعتبار شواهد یادگیری را بهبود بخشند. روشن است که برای فعال کردن این اهرم نظارتی هدایتی در خانه، معلم باید دانش و آگاهی لازم از نقشه یاددهی یادگیری را در اختیار والدین قرار دهد. این کار باعث می‌شود سطح اعتبار شواهدی که از آن سو برای معلم فرستاده می‌شود، بالاتر رود، زیرا منبع نظارتی و هدایت معلم به درون خانه منتقل شده است. بدون چنین زمینه‌سازی‌ای، ممکن است اعتماد به این اهرم نظارتی هدایتی خانگی، نتیجه وارونه‌ای را نصیب معلم کند. از جمله روش‌های مناسب برای تحقق چنین راهکاری، روش به‌کارگیری سنجش والدین است. این روش به‌ویژه برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین بسیار اثربخش خواهد بود. در این روش، والدین فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کنند و به آن‌ها بازخوردهای سازنده و پیش‌برنده می‌دهند. منطق این‌گونه سنجش، دادن یاری و کمک به دانش‌آموزان برای رفع مشکلات و موانع یادگیری است و نتیجه آن:

- افزایش تعامل در فضای برخط به‌صورت هم‌زمان؛
- برقراری روابط گرم، محترمانه و صمیمی بین دانش‌آموزان و والدین؛
- به کارگیری سازوکارهای یادگیری مشارکتی.

تعاملی کردن تدریس با توجه به امکانات کلاس‌های برخط

راه‌های تعاملی کردن تدریس با توجه به امکانات برخط عبارت‌اند از:

● توسعه بازخوردها (میزان و نوع) بازخورد یکی از مؤلفه‌های مهم ارزشیابی است که در آن نقش جدی و حیاتی دارد؛ به‌ویژه برای درگیرسازی و اصلاح جریان یادگیری، بازخوردهای فرایندی نقش بی‌بدیل دارند. تا جایی که برخی ارزشیابی مؤثر را معادل ایجاد جریان بازخورد مؤثر در فرایند یاددهی یادگیری می‌دانند. در تدریس برخط هم بازخورد جایگاهی ارزشمند دارد. مشکل مهم در زمینه بازخورد این است که چون در

دیگر فعالیت‌های عملی در راستای افزایش درگیری دانش‌آموزان

- طرح آزمایش برای بررسی یک فرضیه؛
- انجام یک کار و تجربه عملی و ارائه گزارش مانند ساختن یک وسیله؛
- تولید طرح آموزشی برای یک بحث و ارائه آن به هم‌سالان؛
- جمع‌آوری اطلاعات درباره یک موضوع یا یک مسئله، همراه با طبقه‌بندی و تحلیل آن؛
- مصاحبه با افراد مطلع درباره یک موضوع یا رویداد اجتماعی یا تاریخی؛
- تفسیر و تحلیل رویدادها و اخبار روز؛
- جست‌وجوی اینترنتی درباره یک موضوع و مرتب‌کردن اطلاعات گردآوری شده؛
- طرح مسئله برای یک موضوع آموزشی.

معلم در تدوین بسته فعالیت می‌تواند دانش‌آموزان را به‌منظور به‌کارگیری برنامه‌ها و نرم‌افزارهایی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش آموزشی دارند، تشویق کند. نکته مهم درباره فعالیت‌های یادگیری و تأثیر آن در درگیرسازی این است که این فعالیت‌ها باید جذاب باشند. چالشی‌بودن فعالیت‌های یادگیری از جمله عوامل جذب و درگیر کردن دانش‌آموزان است. فعالیت‌های یادگیری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که چالش ذهنی ایجاد کنند؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان را با مسئله واقعی و موجود در محیط زندگی درگیر کنند و به سبب ملموس بودن برای آنان جذابیت بیشتری دارند. البته کیفیت چالشی‌بودن یک فعالیت با سطح رشد مخاطبان آن نیز ارتباط دارد. این چند روش برای طراحی فعالیت‌های جذاب مفید خواهند بود:

- توجه و تأکید بر طراحی فعالیت‌های مسئله‌محور؛
- توجه و تأکید بر طراحی فعالیت‌های مرتبط با زندگی روزانه؛
- توجه و تأکید بر طرح مثال یا مسئله‌های مرتبط با موضوع درس توسط دانش‌آموزان.

در موقعیت‌های برخی این فعالیت‌ها نوعاً در منزل و با فاصله از معلم انجام می‌گیرند. بخشی از این فعالیت‌ها هم در موقعیت‌های تدریس برخی هم‌زمان انجام می‌شوند؛ مانند همان پرسش و پاسخ‌هایی که در محیط‌های پیام‌رسان در زمان حضور و هم‌زمان مبادله می‌شوند یا تکالیف یادگیری و آزمون‌هایی که معلم در موقعیت‌های تدریس هم‌زمان ارائه می‌دهد و دانش‌آموزان هم‌زمان انجام می‌دهند و می‌فرستند و معلم بلافاصله به آن‌ها بازخورد می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. self-regulation
2. co regulation
3. Engagement

۴. از خود پرسیدن یا خودآزمایی را می‌توان نوعی خودسنجی تلقی کرد. از هم‌کلاسی پرسیدن هم نوعی هم‌سال سنجی تلقی می‌شود.

موقعیت‌های یاددهی یادگیری برخط عموماً بین معلم و دانش‌آموزان و بین دانش‌آموزان فاصله مکانی (و حتی گاه زمانی) وجود دارد، بازخوردها و تعامل‌های رودرروی زنده با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. بنابراین، باید تلاش کرد تا حد امکان جریان بازخوردها بین طرفین فعال شود. بازخورد اگر به‌درستی و مناسب در کلاس برخط مبادله شود، بر میزان درگیری دانش‌آموزان با درس و موضوعات درسی خواهد افزود.

بازخوردها از منظر به‌کارگیری نوع ابزار ارتباطی به دو گونه نوشتاری و کلامی تقسیم می‌شوند. بنا بر دلایل روان‌شناختی، بازخوردهای کلامی، به‌ویژه رودررو، تأثیرگذاری بیشتری دارند. به همین دلیل، در کلاس‌های برخط نیز بازخوردهای کلامی یا صوتی (هم‌زمان یا زنده و غیرهم‌زمان و غیرزنده)، به‌ویژه برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر ابتدایی، جذاب‌تر، تأثیرگذارتر و برای معلم آسان‌تر خواهند بود؛

- توسعه پرسش و پاسخ‌های فرایندی؛
- احضار تصادفی دانش‌آموزان و درخواست اظهارنظر درباره مباحث، به‌ویژه در فضای برخط؛
- دادن تکلیف جمع‌بندی درس بلافاصله بعد از پایان آن و ارائه به معلم، چه به‌صورت فیزیکی در فضای حضوری و چه به‌صورت الکترونیکی در فضای مجازی.

فعالیت‌محور کردن تدریس از طریق طراحی بسته فعالیت برای هر درس و ارائه آن به دانش‌آموزان

بسته فعالیت مجموعه‌ای از فعالیت‌های هماهنگ و مرتبط است، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان از طریق آن‌ها با محتوا و مضمون درس درگیر شوند و از طریق انجام این مجموعه فعالیت‌ها به اهداف درس برسند. این کار در واقع آغاز یادگیری است. بسته فعالیت چیز پیچیده‌ای نیست. به‌سادگی می‌تواند شامل چند فعالیت یادگیری باشد؛ مثلاً:

- رونویسی، خط‌کشیدن زیر نکات و مطالب مهم درس، گوش‌دادن به یک فایل صوتی یا دیدن یک فیلم کوتاه؛
- یادداشت‌برداری و خلاصه‌نویسی آنچه از خواندن، شنیدن و دیدن فایل‌های متنی، صوتی و تصویری برداشت کرده‌اند، حاشیه‌نویسی، تهیه نقشه مفهومی از محتوای درس یا مطالبی که در فایل‌های متنی و تصویری و صوتی دریافت کرده‌اند، بیان یادگرفته‌ها در جمع یا به‌اشتراک گذاشتن آن‌ها در گروه‌های مجازی؛
- مثال‌زدن‌ها، طرح مسائل جدید، حل مسائل جدید، دسته‌بندی و طبقه‌بندی یادگرفته‌ها، رسم نمودارها، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها؛
- نوشتن داستان، تهیه نقشه، نگارش گزارش، تولید محتوای مناسب برای تدریس درس؛
- از خود و هم‌کلاسی‌ها پرسیدن^۴ و بررسی مشکلات فهم خود و تصمیم‌گیری برای ادامه فعالیت یادگیری؛
- گفت‌وگو با رعایت اصول آن، هم‌فکری در گروه.